

اقامتگاه شاهی «عباس آباد»

«گوشه عیش» شاه عباس اول در مازندران

چکیده | در میان کاخ‌های شاه‌عباس اول در مازندران، عمارت عباس‌آباد به جهت ویژگی‌های بارزی که دارد، قابل توجه است. این عمارت را می‌توان محل تلاقی باغ‌سازی غیررسمی و باغ‌سازی رسمی دانست؛ چنان‌که در آن یک دریاچه مصنوعی که عناصر باغ‌سازی آزادانه اطرافش شکل گرفته‌اند و فضایی کاملاً هندسی که با ارتفاع از سطح دریاچه قرار گرفته، به هم متصل می‌شوند. هم‌زیستی این دو بخش و ارتباط نزدیک این اقامتگاه با طبیعت جنگلی اطراف، نمایانگر نوعی ارتباط اصیل میان برخی از باغ‌های صفوی با منظر طبیعی است؛ رابطه‌ای که به صورت تمایل برای «حفظ» یا «بازتولید» طبیعت با ویژگی‌های بکر و رام نشده آن بروز می‌کند. از این‌رو در عباس‌آباد به‌شهر به‌جای یک کاخ سلطنتی باشکوه، اقامتگاه شکاری ساده‌ای ساخته می‌شود که گوشه عیش شاه‌عباس اول است.

واژگان کلیدی | باغ عباس‌آباد، باغ صفوی، باغ ایرانی، باغ رسمی، باغ غیررسمی.

ژان-دومینیک برینیولی
دکتری تاریخ هنر و باستان‌شناسی، دانشگاه
پرووانس، فرانسه.

jdobrignoli@gmail.com

ترجمه از انگلیسی:
مرتضی همتی

hemmatarchitect@yahoo.com

اما عمارت عباس آباد جدا و محصور درون جنگل، با فاصله نه‌چندان زیاد از یک مرکز شهری قرار گرفته و تنها برای اقامت تابستانی و شکار طراحی شده است.

دریاچه عباس آباد: بخش غیررسمی «عباس آباد» در فاصله حدوداً ۹ کیلومتری از بهشهر، در محیطی جنگلی و در ارتفاع ۴۰۰ متری از سطح دریا واقع شده است. پلان این مجموعه برخلاف آنچه در کاخ سازی دوره صفوی مرسوم بود، بی‌قاعده و رها طراحی شده است و شباهت به کلبه شکارچیان دارد (Brignoli, 2009: 687-693).

امروزه تنها دسترسی به مجموعه عباس آباد مسیر پرپیچ و خمی است که از میان جنگل‌های روستای «ال تپه» می‌گذرد. اگر این مسیر بر گذرگاه دوره صفوی منطبق باشد، می‌توانیم تصور کنیم که در آن زمان نیز ورود به مجموعه از جانب شمال شرقی صورت می‌گرفته است. به این معنی که دسترسی در امتداد محور اصلی مجموعه و از جهت قوی‌ترین جاذبه آن یعنی دریاچه مصنوعی انجام می‌شود. دریاچه به‌واقع مخزنی عظیم است که در آن آب‌های حاصل از ذوب شدن برف‌ها و نزولات جوی توسط جداره‌های آجری - به ضخامت ۲۰ متر در قاعده و ۷ متر در بخش فوقانی؛ به طول ۱۰ متر و ارتفاع ۱۰ متر - که همچون سدی در سمت شمال غربی عمل می‌کند، انباشته می‌شود و سرریز آن جهت آبیاری اراضی روستای ال تپه و «سارو»، در پایین دست خارج می‌گردد. این دریاچه مثلث شکل با گنجایشی معادل ۶۰۰۰۰۰ مترمکعب و محیط تقریبی ۱۲۰۰ متر، از طریق دو کانال که آب را از چشمه‌های «قوری چشمه» در ۲ کیلومتری جنوب غربی و «سرچشمه» در ۳/۵ کیلومتری جنوب شرقی منتقل می‌سازند، مشروب می‌شود. شبکه‌ای از لوله‌های سفالی زیرزمینی که تنبوشه نام دارد - که در کاوش‌های بین سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۷ میلادی تحت سرپرستی «عبدالوهاب موسوی نسب» به دست آمد (WHC, 2011: 202-206) - آب را به مخزنی در ۳۰۰ متری جنوب شرقی دریاچه، جایی که نخستین باغ رسمی مجموعه قرار دارد می‌رساند. این باغ کوچک در قطعه زمینی تسطیح شده به ابعاد حدودی ۴۶ متر در ۷۲ متر قرار دارد (Ibid: 202). در مرکز دریاچه، اندکی متمایل به شمال شرق، یک سازه جزیره مانند آجری، به ابعاد تقریبی ۱۴ متر در ۱۸ متر، قرار دارد که زمانی بر آن عمارتی قرار داشت (تصویر ۱). دسترسی

مقدمه | علی‌رغم آن که شاه‌عباس اول (۹۹۵-۱۰۳۸ ه.ق.) تخت پادشاهی‌اش را در حدود سال‌های ۹۹۸-۱۰۰۶ ه.ق به اصفهان منتقل کرد، اما آن‌جا تنها اقامتگاه وی نبود؛ بلکه دیگر اقامتگاه‌های سلطنتی در مازندران مدت زمان بیشتری میزبان مقام شاهی بودند. خصوصاً بعد از آخرین زمستانش در اصفهان در سال ۱۰۱۷ ه.ق. (اسکندر بیک منشی، ۱۳۳۴ : ۷۷۶-۷۸۱)، شاه‌عباس فقط پنج دوره کوتاه زمانی را در آنجا سپری کرد (اسکندر بیک منشی، ۱۳۳۴ : ۸۶۱-۸۶۲، ۸۸۶-۸۸۷، ۹۴۸-۹۵۰، ۹۵۷-۹۵۸، ۱۰۱۲-۱۰۱۳) و هفده سال باقی عمرش را، پیش از مرگ در فرح‌آباد به تاریخ ۲۶ جمادی‌الاول ۱۰۳۸ ه.ق.، در مازندران گذراند.

ساخت عمارت‌های سلطنتی در مازندران از حدود سال‌های ۱۰۲۰-۱۰۲۱ ه.ق. شروع شد (اسکندر بیک منشی، ۱۳۳۴ : ۸۴۹-۸۵۱، ۸۵۵-۸۵۶). علاقه شاه‌عباس به مازندران از جهات مختلف قابل درک است. «پیتر و دلا واله» در نوشته‌های خود به تعلق خاطر شاه‌عباس به زادگاه مادرش اشاره کرده است (Della Valle, 1684, Vol.2: 240)؛ اما به نظر می‌رسد دلایل عملکردی دیگری در این امر اثرگذار بوده باشد. پهنه مازندران با قرارگیری در میان دریای خزر و رشته‌کوه البرز از موقعیت جغرافیایی خاصی در ایران بهره می‌برد. رطوبتی که از جانب دریای خزر به این ناحیه وارد می‌شود، در طول سال بارشی منظم ایجاد می‌کند که موجب شکل‌گیری جنگل‌های وسیع در دامنه‌های رشته‌کوه البرز شده و آبرسانی به زمین‌های کشاورزی این خطه را ممکن می‌سازد. این منطقه که امروزه نیز نزد ایرانیان به‌عنوان یک تفرجگاه شناخته می‌شود، در زمان شاه‌عباس اول به‌عنوان شکارگاهی مناسب شهرت داشت (Della Valle, 1684, Vol. 2: 260,377; Herbert, 1663: 274) و به نظر می‌رسد که این دلایل در انتخاب وی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده باشد.

با این حال میان اقامتگاه‌های سلطنتی که توسط شاه‌عباس در مازندران ساخته شد، تفاوتی اساسی وجود دارد. با اینکه کاخ‌های مشهورتر «فرح‌آباد» (اسکندر بیک منشی، ۱۳۳۴ : ۹۴۵-۹۴۵ Della Valle, 1684, Vol. 2: 239-250; Alemi, 1994: 205-210) و «اشرف» (اسکندر بیک منشی، ۱۳۳۴ : ۸۵۵-۸۵۶ Della Valle, 1684, Vol. 2: 293-294; 297-299; 313; 349-352; Alemi, 1994: 205-210; Porter, 1996: 117-138) در راستای طرح‌های شهری ایجاد شده‌اند (Brignoli, 2009: 618-683)



تصویر ۱: آثار باقیمانده از مجموعه عباس آباد. مأخذ: نگارنده، Google Earth.

مستطیل شکل قاب شده‌اند و تا نیمه به زیر آب فرورفته‌اند. به نظر می‌رسد که این عمارت علاوه بر عملکرد تفریحی‌اش، از طریق شبکه‌ای از لوله‌ها و دریچه‌ها که در بخش زیرین آن قرار داشته است، در زمان پرآبی، برای تنظیم و روانه ساختن بخشی از آب سرریز به مکانی در فاصله ۲۰۰ متری از سد به کار برده می‌شده است (Ibid: 210-211).

توماس هربرت که از این عمارت در سال ۱۶۲۷ میلادی بازدید کرده و آن را یکی از مطبوع‌ترین اقامتگاه‌های شاه نامیده بود، در توصیفاتش بیش از آن که به بنای اقامتگاه بپردازد، بر

به این عمارت تنها از طریق قایق یا - مانند «باغ بارفروش» - یکی دیگر از اقامتگاه‌های مازندران (Brignoli, 2009: 686-687)، یا بعدتر در فرح‌آباد اصفهان، بین سال‌های ۱۷۰۴-۱۷۲۲ ه.ق. و در زمان شاه حسین (Brignoli, 2007) - پلی چوبی که هنوز بقایای برخی از پایه‌های آن در قسمت شمالی موجود است، ممکن بود (WHC, 2011: 209). امروزه تنها آثار باقیمانده از این عمارت، حوضی کوچک و فواره‌ای است که آب آن از طریق لوله‌کشی از مخزن جنوب غربی تأمین می‌گردد. جزیره در هر سمت، دو طاق ایوان مانند دارد که در حاشیه‌های



تصویر ۲: برج شمالی (چپ) و برج جنوبی (راست).
عکس: نگارنده، ۲۰۰۶.

کیفیات محیط پیرامون متمرکز شده است. نوشتار وی به جز چند موردی که به نقاشی‌های تزئینی درون ابنیه اشاره نموده، به هیچ‌کدام از بناهای باغ نمی‌پردازد و وقف توصیف نظرگاه‌ها، شکارگاه‌ها، آب‌ها و چشمه‌ها شده است (Herbert, 1663: 274). در شمال شرقی دریاچه دو برج آجری قرار گرفته‌اند که قطر هر کدام ۷ متر و ارتفاع یکی ۱۰ و دیگری ۱۴ متر است. این برج‌ها فاقد هرگونه پنجره‌ای هستند و تنها روزن آن‌ها درهای ورودی‌شان است که بین سال ۱۹۸۸-۱۹۸۹ میلادی بسته شد. در بخش فوقانی برج‌ها مخازن آبی قرار دارد که آبرسانی به آن‌ها از طریق لوله‌های آب صورت می‌گیرد و دسترسی به آن‌ها از طریق پلکان مارپیچی که درون برج‌ها قرار گرفته، امکان‌پذیر است. مانند شماری از باغ‌های دوره صفوی، این برج‌ها عناصر دفاعی و دیدبانی نیستند و در خدمت عملکردهای روزمره قرار گرفته‌اند. در عباس‌آباد، این برج‌ها به‌عنوان مخازن تخلیه به کار گرفته شده‌اند تا بتوانند فشار آب وارد بر تنبوشه‌های سفالین را بکاهند. به‌علاوه برج شمالی، وظیفه تأمین فشار موردنیاز برای به جریان انداختن فواره‌های باغ را نیز بر عهده دارد (WHC, 2011: 213-214). میان دو برج، اثری از پی و شالوده‌ای که احتمال وجود ارتباط میان آن دو را مطرح کند، وجود ندارد.

علی‌رغم آن‌که این برج‌ها نقش دفاعی ندارند، اما فرم آن‌ها تداعی‌کننده سازه‌های بازدارنده است (تصویر ۲). به آن معنا که اگرچه محوطه غیررسمی باغ توسط جداره‌ای محصور نشده اما این برج‌ها به لحاظ «روانی» حدود باغ را از جنگل پیرامون جدا کرده‌اند و تجسمی از عنصر ورودی محدوده سلطنتی هستند. از طرفی این شکل از آرایش فضایی می‌تواند بیانگر ارتباط صمیمانه مجموعه با طبیعت پیرامونش باشد.

صفه‌های عباس‌آباد: بخش رسمی

بخش غیررسمی و خوش‌منظر (پیتورسک) مجموعه، در ارتباط با بخشی رسمی واقع شده است. در گوشه شمال شرقی دریاچه، بر تپه‌ای که توسط دو جداره سنگی پشتیبانی می‌شود، ساخت‌وسازهایی صورت گرفته است. در شمالی‌ترین بخش آن و پنج متر پایین‌تر از سطح صفه، ساختمانی آجری هست که مساحتی بالغ بر ۱۶۰ مترمربع دارد (تصویر ۳). این ساختمان که



تصویر ۳: نقشه ساده‌شده باغ رسمی.
مأخذ: نگارنده، Google Earth.

۱. جزیره
۲. صفه باغ رسمی
۳. پلکان شمال شرقی
۴. محور شمال شرقی
۵. محور جنوب غربی - نظرگاه دریاچه
۶. حمام‌ها
۷. بنای ویران‌شده (کلافرنگی؟)
۸. بنای ویران‌شده
۹. برج‌ها
A. دریاچه مصنوعی
B. کناره
C. جاده امروزی
D. زمین‌های باغ رسمی
a,b,c. ترانس‌های باغ رسمی



تصویر ۴: صفت‌های باغ رسمی، دید به سمت شمال شرقی. عکس: ژان دومنیک برینیولی، ۲۰۰۶.

بخش از مجموعه را شکل می‌دهد. روبروی دریاچه، در جانب جنوب غربی محور، سکوی سنگی است که بر آن دو حوض با ابعادی متفاوت و با فاصله از یکدیگر قرار گرفته‌اند و مشخص است که اتصالی میان آن‌ها وجود ندارد (تصویر ۴). این فقدان ارتباط آشکار از این‌رو جذاب است که این دو حوض درست در امتداد محور اصلی قرار گرفته‌اند و به دو جهت اصلی مجموعه اشاره می‌نمایند: حوضی که ابعاد کوچک‌تر دارد رو به سوی به دریاچه و سمت جنوب غربی دارد و دیگری پشت به دریاچه نموده و به سوی شمال شرقی است.

جهت نخست، به منتهی‌الیه عمارت که مشرف به دریاچه است منتهی می‌شود (تصویر ۵). جایی که حوض کوچک‌تر در لبه سکوی سنگی قرار گرفته است و به آبشاری کوچک که از دو

وضع چندان مناسبی ندارد شامل چند اتاق کوچک، طبقه‌ای مرتفع که توسط ستون‌های آجری از زمین جدا شده است، یک حوض، طاقی مخروطی و بقایای جداره‌ای که لوله‌های سفالی از میانش عبور می‌کرده، نمایان است. به نظر می‌رسد، طبقه مرتفع این بنا تراس یک گرمابه بوده است؛ گرمابه‌ای که به گفته هربرت، شامل سرسینه، میان‌در، گرمخانه و همچنین اتاق‌هایی برای تجهیزات گرمایی چون دیگ‌های جوش و لوله‌های آب و بخار بوده است (WHC, 2011: 207).

در بخش جنوبی این مجموعه، بر اراضی تراس بندی شده، بقایای ساختمانی وسیع‌تر به چشم می‌خورد که هویت آن قابل تشخیص نیست. از مرکز این اراضی، کانال آبی جریان می‌یابد که با گذر از محور طولانی شمال شرقی-جنوب غربی، مایه اصلی طرح این



تصویر ۵: چشم‌انداز جنوب غربی باغ رسمی به سمت دریاچه.
عکس: ژان دومنیک برینبولی، ۲۰۰۶.

می‌کند و به دو شیب‌راه که حوضی کوچک را احاطه کرده‌اند، می‌رسد. در این نقطه کانال آب دوباره به شکل یک کانال آجری آشکار می‌گردد، مسیری طولانی را در جهت شمال شرقی می‌پیماید و با رسیدن به یک حوض آجری بزرگ و عمیق که منظره را می‌بندد، پایان می‌پذیرد (تصویر ۶). در جانب شمال غربی این حوض، یک سکوی دراز سنگی، بقایای عمارتی ویران را بر خود دارد. جانمایی این بنا ارتباط نزدیک آن را با حوض، به ذهن متبادر می‌کند. تمامی چشم‌انداز شمال شرقی در سایه‌سار درختان قرار گرفته است. این درختان اگرچه جوان هستند اما می‌توان تصور نمود که در زمان استفاده از عمارت چنین کاشتی وجود داشته است؛ باغی از نوع رسمی، با کاشتی منظم و باغچه‌ها و گل‌کاری‌هایی که احتمالاً باید همچون باغ‌های اشرف و فین کاشان در دو سوی کانال قرار گرفته باشد.

گوشه عیش شاه

وجود این آثار که شواهدی از ایجاد اقامتگاهی با طرح‌بندی رسمی در کنار باغی با شمایل غیررسمی، یا همان دریاچه به دست می‌دهد، بسیار قابل توجه است. قابل ذکر است که این اقامتگاه، برخلاف کاخ‌های فرح‌آباد و اشرف، به دلیل فاصله زیاد

طرف توسط پلکانی آجری احاطه شده است، متصل می‌شود. آب از درون این حوض جریان پیدا می‌کند و از لبهٔ سکو وارد کانالی کوتاه می‌شود و تا جدارهٔ نگهدارندهٔ تپه پیش می‌رود؛ تا آن‌که به حوضچه‌ای که نظرگاهی ایده‌آل به دریاچه، جزیرهٔ آجری و جنگل پیرامون است، ختم گردد. در بخش تحتانی سکو، در دو سمت آبشار آجری، اتاقک‌هایی با کفپوش و ستون‌های آجری به چشم می‌آیند که احتمالاً باید ایوانک‌هایی برای لذت بردن از همین منظر باشند.

جهت دوم، از دریاچه روی برمی‌گرداند و به سمت اراضی تراس‌بندی شده رهنمون می‌شود. حوض بزرگ‌تر، آب را به درون کانالی سنگی می‌ریزد که به سمت شمال شرقی جریان دارد. آب با عبور از سکو، از طریق آبشار کوچکی که در دو سمت آن پله‌هایی آجری قرار گرفته‌اند، خارج می‌شود و به حوضچه‌ای دیگر می‌ریزد که دهانهٔ مربع شکل فوارهٔ آن همچنان قابل‌رؤیت است. کانال در این‌جا متوقف می‌شود؛ اما محور، با یک مسیر پیادهٔ عریض ادامه می‌یابد. پس از طی چندین متر، پلکانی سنگی که عرض آن هم‌اندازهٔ مسیر است پدیدار می‌شود. در پایین این پلکان، آثار باقیماندهٔ سنگ‌فرش‌هایی شش‌ضلعی از جنس آجر و سنگ به چشم می‌آید. مسیر همچنان ادامه پیدا



تصویر ۶: استخر در انتهای محور شمال شرقی در باغ رسمی.
عکس: ژان دومنیک برینیولی، ۲۰۰۶.

نشود.

عباس‌آباد خصوصیات کامل یک گوشه‌ عیش شاهی را بروز می‌دهد که در قسمت‌هایی به دنبال از نو خلق کردن طبیعت بوده است اما با این حال بخش اعظم آن را به شکل بکر و رام نشده باقی گذارده است. در عین حال ترکیب بخش رسمی عمارت با این طبیعت، تضادی خوش‌آهنگ ایجاد کرده است. محور قدرتمند شمال شرقی-جنوب غربی که از وسط مجموعه می‌گذرد، با شکل بی‌نظم دریاچه تقابل ایجاد می‌نماید. قابل توجه است که این محور شامل دو کانال در دو جهت مخالف یکدیگر می‌شود که هر یک منظره منحصراً به خود را به وجود می‌آورد؛ اولی چشم‌اندازی از دریاچه مصنوعی ایجاد می‌کند، در حالی که دیگری به آن پشت کرده و منظره‌ای از زمین‌های تراس‌بندی شده را می‌سازد. این ترکیب‌بندی قطعاً حاصل تبحر شیوه‌ای اندیشیده در ساماندهی فضای سلطنتی است. همان‌طور که گفته شد، بخش‌های رسمی عمارت با انضباط شدید هندسی در مواجهه با مناظر رها و خیال‌انگیز دریاچه و طبیعت بکر اطراف آن قرار می‌گیرد. چنین

از راه‌های شاهی، نمی‌توانست برای دوره‌های طولانی به‌عنوان بارگاه شاهی عمل نماید. اقامتگاه عباس‌آباد، احتمالاً با این هدف طراحی نشده بود که شاه را برای مدت‌زمانی بیشتر از یک شکار منزل دهد. این رابطه با شکار و فعالیت‌های «دهقانی» احتمالاً کلید سازماندهی فضا به این شیوه خاص بوده است. دریاچه‌ای آسوده در میان جنگلی شاداب با یک چهارطاقی بر جزیره‌های آرامش‌بخش در مرکز آن، صحنه‌پردازی ویژه‌ای برای ارتباط با طبیعت است. همان‌طور که «مهوش عالمی» اشاره کرده است، ارتباطی که باغ‌های پادشاهان صفوی با طبیعت برقرار ساخته‌اند به مراتب قدرتمندتر از آن چیزی است که پیشتر اندیشیده می‌شد (Alemi, 2007: 119-125).

قطعه‌ای از «جلال‌الدین»، تاریخ‌نویس شاه‌عباس، نقل شده است که به توصیف شکاری نزدیک شهرستان «لنجان» در استان اصفهان پرداخته است. در آن آمده که شاه در حال گشت‌وگذار حوالی یک دریاچه بوده است که دستور می‌دهد برایش با چوب‌های خیزران، ایوان و جایگاهی لب دریاچه برای شکار پرندگان ایجاد نمایند (جلال‌الدین منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۳۵۳-۳۵۴). پس از آن، در سال ۱۰۱۷ ه.ق، در آن‌جا تفرجگاهی با عنوان «گوشه‌ عیش شاه» پدید آمد و دریاچه به استخری چهارگوش تبدیل شد. در میان این استخر، اقامتگاهی شکل گرفت که مجرد و رها بود و دسترسی به آن از طریق پلی متحرک صورت می‌گرفت. کناره‌های استخر با گل‌های سوسن، همیشه‌بهار، داوودی، بنفشه و میخک آراسته شد تا اطراف آن همواره سبز باشد. درختان چنار نیز کاشته شد و در آخر، خندقی پوشیده از چوب‌های خیزران برای جلوگیری از ورود حیوانات وحشی، حفر گردید. این «گوشه» شاهی طرحی است مرکب از طبیعت بکر و کاشته شده که تنها توسط خندقی از محیط بیرون جدا شده است. این تماس بی‌واسطه با طبیعت رام نشده، از آنچه به‌طور معمول از باغ ایرانی در ذهن داریم متفاوت است؛ و بیانگر این تفکر است که یک محیط طبیعی می‌تواند با حفظ تمامی طبیعت خود و با سادگی توسعه یابد. به‌طوریکه بناهایی از جنس ساختمان‌های شاخص مانند ایوان شاهی، می‌توانند به شیوه‌ای خاضعانه و با مصالحی سبک مانند چوب خیزران ساخته شوند. ساخته نشدن حصار برای تحدید این فضای طبیعی و بسنده کردن به حفر خندقی برای تعریف حدود فضا، اقدامی مشابه قرار دادن برج‌های عباس‌آباد برای بارز ساختن محدوده سلطنتی و اکتفا به وجه بصری آن برای تحدید قلمرو است. در اینجا نیز فقدان حصار بیرونی اشاره به میلی دارد که خواهان آن است که خللی در ارتباط با طبیعت پیرامون ایجاد

رودخانه‌هایی که در میان گیاهان پیچ‌وتاب می‌خورند و نمایانگر طبیعتی بکر و رام نشدنی هستند^۲. به‌طور نمونه نقاشی «مجنون در بیابان»، تصاویری از پرسه زنی در طبیعت سرکش ارائه می‌دهد که بیانگر میلی باطنی است و با آنچه در باغسازی بروز می‌یابد تفاوت اندکی دارد^۳. در نقاشی باغ‌ها، این پریشانی بروز می‌یابد و تصویری خلق می‌شود که گویی بازتابی مبهم از باغ‌های واقعی است. باغ عباس‌آباد نشانگر آن است که این ابهام از روی تصادف ایجاد نشده؛ بلکه زیرکانه در جستجوی فرصتی برای ظهور است.

مشابه آن‌چه در نقاشی‌های کتاب‌ها آمده است؛ نه خود طبیعت به آن صورت که هست، بلکه بازتابی خوشایند از آن. بررسی این مورد به همراه چند مثال دیگر مانند باغ بارفروش و فرح‌آباد، بیانگر آن است که باغ‌های صفوی به‌دور از الگوپذیری صرف از چهارباغ، به مفاهیمی متفاوت و فرم‌هایی متنوع دست‌یافته‌اند که تاکنون بخش اندکی از آن شناخته‌شده است.

مواجه‌های که نمونه آن بعدتر در باغ فرح‌آباد اصفهان در زمان «شاه حسین» نیز به چشم می‌آید (Brignoli, 2007: 139-155)، بیشتر میل بر تضاد دارد تا همنشینی: در تقابل با منظر طبیعی دریاچه با بی‌نظمی آشکارش، باغ رسمی، با طرحی دقیق و منظم قرار گرفته است.

این شکل از منظره‌پردازی صفوی احتمالاً از آن‌چه اندیشیده می‌شد قدرتمندتر و هوشیارانه‌تر است. اگر از حضور سکوی سنگی، کانال مستقیم‌الخط و حوض هندسی چشم‌پوشی کنیم، بیشتر نقاشی‌های باغ‌های ایرانی که در کتاب‌ها یافت می‌شود مملو از عناصری است چون درختان پراکنده، باغ صخره‌ها و

نتیجه‌گیری | عباس‌آباد امکانی برای شناخت وجوه کمتر شناخته‌شده هنر باغ‌سازی صفوی به دست می‌دهد. چنانچه در آن، در فاصله‌ای اندک از باغی رسمی و اقامتگاهی بزرگ، منظرهای طبیعی یا نیمه‌طبیعی به صورتی ساماندهی می‌شود که گوشه عیش شاه باشد. با این وجود، لزوم ایجاد دریاچه‌ای مصنوعی در عباس‌آباد، آشکارا نشان از وجود کاستی در این طبیعت دارد و بیانگر جستجویی است برای طبیعتی مقصود^۴،

پی‌نوشت

۱- «شاهنامه» شاه طهماسب، «هفتواد و کرم» (inv. 199)، اثر «دوست محمد» که در بنیاد فرهنگی آقاخان نگهداری می‌شود.
 ۲- «مجنون در بیابان» از «عبدالصمد» در «مرقع گلشن»، صفحه ۱۵۸ که در کتابخانه کاخ گلستان در تهران نگهداری می‌شود.
 ۳- نویسنده واژه «پیتورسک» به معنی «تماشایی» و «نقاشیگون» را برای توصیف این طبیعت انتخاب کرده است (مترجم).

۱- همچون برج‌های کبوتر خانه در دیواره‌های بیرونی باغ‌ها که نمونه آن در بقایای باغ هزارگریب اصفهان که توسط شاه‌عباس اول بنا شد قابل مشاهده است (Brignoli, 2009: 528-531).
 ۲- به‌عنوان مثال در «خمسه» شاه‌طهماسب که در کتابخانه بریتانیا نگهداری می‌شود، نشان دادن تصویر خسرو به شیرین توسط شاپور (Or. 2265, fol. 48v) که در حاشیه به میرزا علی (۱۵۲۸-۱۵۳۹ م.) نسبت داده شده است؛ یا در

فهرست منابع

- Alemi, M. (1994). I giardini reali di Ashraf e Farahâbâd. In *Il giardino islamico, Architettura, natura, paesaggio*. Edited by Petruccioli, A. Milan: Mondadori Electa.
- Alemi, M. (2007). Princely Safavid Gardens: Stage for Rituals of Imperial Display and Political legitimacy. In *Middle East Garden Traditions: Unity and Diversity*. Edited by Conan, M. Washington D.C.: Dumbarton Oaks Research Library and Collection.
- Brignoli, J.D. (2007). The Royal Gardens of Farahâbâd and the Fall of Shâh Soltân Hoseyn Revisited. In *Middle East Garden Traditions: Unity and Diversity*. Edited by Conan, M. Washington D.C.: Dumbarton Oaks Research Library and Collection.
- Brignoli, J.D. (2009). *Les palais royaux safavides (1501-1722): architecture et pouvoir*. Unpublished doctoral dissertation. Aix-en-Provence: Université Aix-Marseille I.
- Della Valle, P. (1684). *Les fameux voyages de Pietro Della Valle, gentilhomme romain, surnommé l'illustre voyageur, avec un dénombrement très exact des choses les plus curieuses, et les plus remarquables qu'il a vécues dans la Turquie, l'Egypte, la Palestine,*

- اسکندر بیک منشی. (۱۳۳۴). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. به کوشش ایرج افشار. ج. ۲. تهران.
- جلال‌الدین منجم یزدی. (۱۳۶۶). *تاریخ عباسی*. به کوشش سیف‌الله وحیدنیا. تهران: انتشارات وحید.

la Perse, et les Indes Orientales, et que les auteurs qui en ont ci-devant écrit, n'ont jamais observées. Paris: Chez la veuve Gervais Chusier.

- Herbert, T. (1663). *Relation du voyage de Perse et des Indes orientales*. Translated from English by De Wicquefort, A. Paris: Chez Jean Du Puis.
- Porter, Y. (1996). Les Jardins d'Ashraf Vus Par Henry Viollet. In *Res Orientales VIII: Sites et Monuments Disparus D'après Les Témoignages de Voyageurs*. Edited by Gyselen, R. Res-sur-Yvette: Peeters Press.
- WHC (World Heritage Convention). (2011). *The Persian Garden*. Registration Form for UNESCO's World Heritage List.